

بررسی ریشه‌های فکری برنامه ریزی مذاکره‌ای و تحلیل آن از منظر دموکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی



حسین خانی

پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران
نویسنده‌ی مسئول: hsnkhani.eng@gmail.com

مرتضی میرغلامی

دانشیار گروه شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

چکیده:

برنامه ریزی به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی جهت نیل به شرایط مطلوب زیستی می‌باشد. در این بین، مذاکره از مهم‌ترین رویکردها در نظام‌های جدید برنامه ریزی بوده که در عصر کنونی برنامه ریزی و حکمروایی شهری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. جین هیلیر به‌عنوان واضع این نظریه، از نظریات اندیشمندان همچون هابرماس و فوکو در تبیین مبانی این نظریه استفاده نموده است. این پژوهش به دنبال آن است تا با بررسی ریشه‌های نظری رویکرد برنامه ریزی مذاکره‌ای و استخراج نحله‌های فکری آن به مطالعه ساختاری آن بپردازد؛ و در نهایت ویژگی‌ها و اصول این نوع برنامه ریزی را از منظر آموزه‌های اسلامی و نظریات اندیشمندان معاصر اسلامی در ارتباط با موضوع حکومت و مردم‌سالاری دینی و دموکراسی مورد مطالعه قرار دهد. با توجه به موضوعات متداخل در این مورد پژوهش، از روش بررسی اسنادی و تحلیل محتوا و استدلال منطقی و همچنین روش کیفی و توصیفی و انجام مصاحبه با خبرگان امر (مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان دانشگاهی در رشته‌های شهرسازی و جامعه‌شناسی و همچنین اساتید حوزه) در بیان نتایج پژوهش استفاده شده است. در نهایت، با مقایسه تطبیقی اصول و قواعد این نوع برنامه ریزی با معیارهای شهرسازی اسلامی و اصول و قواعد دموکراسی و شورا از منظر اسلامی به بررسی نقاط قوت و ضعف این نوع برنامه ریزی پرداخته شده و بیان شده که در رویکرد برنامه ریزی مذاکره‌ای، تکیه صرفاً بر نظر و آرا مردم بوده است؛ و ارتباطی با هنجارهای دینی و اعتقادی برقرار نمی‌نماید. لذا به نظر می‌رسد این رویکرد تنها در بخش‌های از مدیریت شهری که دارای طرح-های مردم محور می‌باشند؛ می‌تواند کارایی داشته باشد. از سوی دیگر رویکرد مردم‌سالاری دینی بیشتر نگاه به ارزش‌های اعتقادی دارد؛ و نظر مردم در درجه دوم اهمیت می‌باشد. این موضوع از یک‌سو مراقب آن است که طرح‌ها و برنامه‌ها بر محور دین و شریعت باشد؛ ولی از سوی دیگر با طرح‌های اومانستی و انسان‌گرا ارتباط خاصی ندارد. بنابراین می‌توان بیان نمود که چنانچه در مطالعات شهری، صرفاً تکیه بر نظریات مردم باشد؛ نمی‌توان صلاحیت آن را از منظر دین تأیید نمود؛ لیکن چنانچه در مدیریت مسائل شهری، نظر مردم در کنار اصول و قواعد دینی و فقهی و بر مبنای آنها شکل گرفته باشد؛ می‌تواند در اداره یک شهر و جامعه اسلامی یاری رسان باشد.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی مذاکره‌ای، هابرماس، هیلیر، شهر اسلامی، مردم‌سالاری دینی.

۱. مقدمه

استدلال منطقی و تحلیل محتوا، با مطالعات کتابخانه‌ای نسبت به بررسی متون موجود اقدام و همچنین انجام مصاحبه با کارشناسان این زمینه با روش دلفی، به مقایسه و تطبیق دیدگاه‌های مختلف در خصوص اهمیت مذاکره در رویکردهای برنامه‌ریزی غربی و زمینه بومی یعنی ایران پرداخته شده؛ و نتایج پژوهش حاصل شده است. در انجام مصاحبه‌های عمیق از کارشناسان و خبرگان از اساتید حوزه و دانشگاه استفاده شد. در این بین از ۶ استاد در زمینه شهرسازی، از ۴ استاد در زمینه جامعه‌شناسی، و ۴ استاد در حوزه علمیه در خصوص برنامه‌ریزی مذاکره‌ای، اجتماع، لیبرالیسم، برنامه‌ریزی انتقادی، مردم‌سالاری دینی و نگاه اسلام به اجتماع سوال شد که پس از انجام این ۱۴ مصاحبه و بر مبنای استفاده از روش دلفی، نتایج مستخرج شد و به علت تکرار موضوعات، مصاحبه تکمیل و پایان یافت.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع برنامه‌ریزی مذاکره‌ای و همچنین مردم‌سالاری دینی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که مهم‌ترین آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

مطالعه شیوه‌های نوین برنامه‌ریزی و مطالعات اجتماعی می‌تواند در بازشناسی مسائل و مشکلات جوامع مؤثر باشد. تطابق این روش‌ها با اصول حاکم بر هر جامعه می‌تواند در ساماندهی مسائل جامعه نقشی مؤثر داشته باشد. برنامه‌ریزی مذاکره‌ای یکی از همین روش‌های نوین در اجرای سیاست‌های شهری می‌باشد. در نگاه دینی، مردم به‌عنوان امت اسلامی دارای ارزشی گرانبها بوده و نگاه مادی جای خود را به نگاه ارزشی داده است در صورتی که در دموکراسی غربی و نگاه اومانیستی آن، انسان ارزشی مادی داشته و به‌عنوان ابزار در پیشبرد اهداف در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که از نگاه اسلام، انسان روح جامعه و سازنده آن است. حضور مردم و مشارکت آنها در طرح‌ها و برنامه‌های شهری می‌تواند کمک شایانی به برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان عرصه‌های شهری نماید. اینکه این نوع برنامه‌ریزی به‌صورت عمیق شناخته شده و با رویکردهای فرهنگی و ارزشی جامعه مورد تطابق قرار گیرد موضوعی است که بومی‌سازی این شیوه برنامه‌ریزی را ممکن می‌سازد. از این‌رو، این پژوهش به دنبال آن است تا با مطالعه اصول و فلسفه شکل‌گیری برنامه‌ریزی مذاکره‌ای از یک‌سو، و بررسی اصول و مفاهیم مردم‌سالاری دینی از سویی دیگر، امکان ارتباط این رویکردهای نوین در عرصه برنامه‌ریزی و مطالعه شهری را با مقتضیات مردم‌سالاری دینی در جامعه اسلامی و اصول دینی بررسی نماید. بنابراین آنچه که در دیدگاه نواندیشان دینی به‌عنوان مردم‌سالاری دینی بیان می‌شود؛ بایستی مورد واکاوی قرار گرفته و هماهنگی‌ها و تفاوت‌های آن با دموکراسی غربی مشخص گردد تا بتوان با ایجاد چارچوبی درست، منطقی و اسلامی از مردم‌سالاری دینی، به بهترین شکل و نحو از نظریات مردم در آن جامعه استفاده نمود. در این پژوهش، با رویکردی انتقادی و با استفاده از روش

ردیف	پژوهشگران	موضوع پژوهش	محورهای مورد مطالعه	سال انجام پژوهش
۱	ابوالقاسم ولی‌زاده	مقایسه مبانی و شاخص‌های مردم‌سالاری دینی با لیبرال دموکراسی	بررسی الگوهای حکومتی معرفی شده از سوی دین اسلام در جامعه	۱۳۹۴
۲	ناصر براتی فردین حیدری مانی ستارزاد فتاحی	به سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه‌ریزی و طراحی شهری؛ ارزیابی وضعیت مداخله شهروندان در برنامه‌ها و پروژه‌های شهری ایران	بررسی میزان مشارکت مردم در طرح‌های شهری در ایران و ارزیابی طرح‌ها از منظر میزان مشارکت	۱۳۹۸
۳	علی‌رضا پناهی	مقایسه‌ی تطبیقی دموکراسی لیبرال و دموکراسی گفتگویی (رویکرد کشورهای غربی)	در دموکراسی لیبرال، آزادی و شهروندی، و... دارای شکاف‌های اساسی بوده و این موضوع تنها از طریق دموکراسی گفتگویی و بین‌الذهانی محقق می‌شود	۱۳۹۷
۴	منصور میراحمدی	مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌اله جوادی آملی	مطالعه و نگاه آیت‌اله جوادی آملی به مردم‌سالاری دینی و تعریف ایشان از آن	۱۳۹۰
۵	حمزه علی و حیدری منش	مردم‌سالاری دینی از نگاه آیت‌اله مصباح یزدی	بررسی نظرات آیت‌اله مصباح در خصوص دموکراسی و لیبرالیسم و مردم‌سالاری دینی و پیشنهادات ایشان در خصوص مردم‌سالاری دینی در جامعه	۱۳۸۴
۶	داود کریم‌زاده و زهره داودپور	رویکردهای دموکراتیک در برنامه‌ریزی شهری و ظهور نظریه مجادله‌ای (اگونیسیم)	شناخت و بسترسازی ظهور تئوری‌های نوین دموکراتیک و به‌ویژه تئوری اگونیسیم در ایران و به تبع آن پایه گذاری گفتمان‌های اجتماعی در جهت تبدیل ستیزه‌گری به مجادله، تبدیل دشمن به مخالف و خشونت به رقابت	۱۳۹۷

جدول ۱. پیشینه پژوهش در خصوص موضوع برنامه‌ریزی مذاکره‌ای و مردم‌سالاری دینی (مأخذ: نگارندگان)



مردم قدرت بیشتر می‌دهد؛ تا در سیاست موثرتر عمل کنند (کانفیلد ۳، ۲۰۱۵، ۱۸۱). دموکراسی گفتگویی مکتبی است که معتقد است مردم باید در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شرکت کنند (له دوک ۴، ۲۰۱۵، ۱۳۹).

۳-۲-۳. دموکراسی شورایی: این تئوری یک قدم فراتر از ملزومات مشارکت برداشته است و بر اساس آن تنها از طریق گفتمان بین شهروندان مستقل و برابر است که دموکراسی واقعی قابل حصول است (هانبرگر ۵، ۲۰۰۶، ۲۳). از دیدگاه تئوری دموکراسی شورایی، اگر نظام‌های دموکراتیک خواستار ماندگاری مشروعیت خود هستند؛ می‌بایستی فرایندهای تصمیم‌گیری توسط افراد ذی‌نفع، با دلایل کافی مورد پذیرش و تصدیق قرار گیرد (کینگ ۶، ۲۰۰۳، ۲۵)؛ و یکی از راه‌های این مشروعیت، مطرح کردن تمام مباحث در یک عرصه شورایی است (فالس ۷، ۲۰۱۰، ۷۴۹).

۳. مبانی نظری

۳-۱. دموکراسی

دموکراسی به‌مثابه یک روش، هدف و یا ارزش، از دیرباز مورد توجه بوده است. این واژه به معنی حکومت مردم از زمان کاربرد آن در یونان باستان تا عصر حاضر، صورت‌های مختلف را تجربه کرده است.

دموکراسی یک مدینه فاضله نیست؛ دموکراسی به مفهوم حفظ قدرت مردم و بهره‌وری از آن در موقعیت مناسب است (پیورسل ۱، ۲۰۱۶، ۳۹۷). در این مورد، هر کس می‌پذیرد تا دولت بر اقداماتش نظارت کند؛ اما اجازه نمی‌دهد تا بر اندیشه‌اش غلبه شود (پوپر ۱۳۸۰، ۳۲). برخلاف دموکراسی یونان باستان، امروزه این مفهوم در زمینه‌ها و مقوله‌های مختلفی بسط داده شده است؛ بنابراین استنتاج تعریفی واحد از دموکراسی دشوار است. همینطور، دموکراسی دارای درون‌مایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری همچون لیبرالیسم، پراگماتیسم، نسبی‌گرایی، اصالت قرارداد، مساوات‌خواهی، فردگرایی، کثرت‌گرایی، و اثبات‌گرایی منطقی است؛ که هر یک از آنها نقش مهمی در استیفای آزادی و حقوق سیاسی و مدنی انسان ایفا می‌کنند (بشیریه ۱۳۹۲، ۳).

۳-۲. انواع دموکراسی

۳-۲-۱. لیبرال دموکراسی: در اقتصاد به حق مالکیت و خصوصی‌سازی تعبیر شد و در سیاست از تأسیس تشکل‌های سیاسی و اجتماعی بدون دخالت دولت، تفکیک قوا، جدایی جامعه از دولت و تمایز حوزه خصوصی فرد از جامعه حکایت می‌کرد. تأکید بر اصالت فرد و اصل بازار آزاد دو مؤلفه‌ی مهم لیبرالیسم کلاسیک محسوب می‌شوند.

۳-۲-۲. دموکراسی گفتگویی: دموکراسی گفتگویی ترجمه *Deliberative Democracy* است که به وسیله هابرماس تدوین شده؛ و به مدل‌های دیگری همچون دموکراسی نظرخواهانه، رایزنامه، گفتگویی، و... ترجمه شده است. این دموکراسی شرایط حضور همه در قدرت را به وجود می‌آورد (لیبی ۲، ۲۰۰۹، ۷). دموکراسی گفتگویی به

نسل اول	نسل دوم	نسل سوم	نسل چهارم
ایده اصلی	ترکیبی از هابرماس و راولس همراه با الزامات عملی	نهادینه کردن دموکراسی شورایی در سطح کلان و خرد	شکل گرفتن نظام شورایی منتج از سه نسل قبل
شور و مشورت	ارتباطی که طبق آن دیدگاه‌ها از طرف عموم مورد تصدیق می‌شود	ارتباطی که طبق آن دیدگاه‌های متنوع در تصمیم‌سازی مد نظر است	ارتباطی که طبق آن دیدگاه‌های مخالف و متعارض به‌عنوان فرصت است
اساس و مبنای مشروعیت	تصدیت همگانی	منابع استدلالی غیررسمی از دموکراسی	نحوه عمل فرایند شور و مشورت و ارزیابی میزان کیفیت این فرایند
نظریه پردازان اصلی	گاتمن و تامسون؛ باهمن	بیر و بارتیت؛ او فلاین؛ هندریکس؛ جین هیلیبر	ما سبریچ؛ درزیک

جدول ۲. تکامل چهار نسل از تئوری دموکراسی شورایی (مأخذ: نگارندگان)

محققان نسل سوم علاوه بر اجرایی کردن شور و مشورت در حیطه سیاست‌های زندگی واقعی، بیشتر در جستجوی روش‌ها و معیارهای متناسب با تشکیل نهادهای مشارکتی بودند (انصاری ۱۳۸۴، ۱۲). به باور هابرماس، دموکراسی رایزنانه مناسب‌ترین شیوه آرمانی است (هرسیچ و دیگران ۱۳۸۹، ۱۵).

۳-۲-۴. **دموکراسی از نگاه اسلام:** اسلام نظر خاصی نسبت به دموکراسی دارد. احترام به رأی اکثریت و آزادی‌های فردی و مدنی، و... از ویژگی‌های بارز آن است. اگرچه تلازمی بین اکثریت و حقانیت نیست؛ اما اکثریت می‌تواند فعلیت‌بخش باشد؛ یا با مقبولیت خود زمینه‌ساز تحقق حکومتی گردد. از دیدگاه اسلام، تا مردم و اکثریت، حکومتی را نپذیرند؛ عملاً زمینه‌های تحقق حکومت فراهم

اولین نسل از تئوری دموکراسی شورایی با مد نظر قراردادن استدلال هنجاری خود تئوری مرتبط بوده و مفهوم وفاق نقش اصلی را دارد. الستاب (الستاب ۸، ۲۰۱۰، ۲۹۸) از هابرماس و راولس به‌عنوان نظریه‌پردازان نسل اول یاد می‌کند.

نسل دوم از زبان منطق فاصله گرفته و به سمت تعامل دوطرفه و متقابل تمایل پیدا نمود (ما سبریچ ۲۰۱۰، ۱۱). عبارت رایج بین نظریه‌پردازان نسل دوم «عمل متقابل» است (گاتمن ۱۰ و تامسون ۱۱، ۱۹۹۶، ۵۴). اما در جایی که محدودیت‌های توافق برای طرفین وجود داشته باشد؛ رسیدن به وفاق مدنظر بوده است (گاتمن و تامسون ۲۰۰۴، ۷۸). نسل سوم در مراحل توسعه دموکراسی شورایی یک قدم فراتر نهاده و فرایند شور و مشورت در آن با «موفقیت» تعبیر شده است (بکلاند ۱۲ و ماتیسالو ۱۳، ۲۰۱۰، ۳۴۴).



جریان عملی که طی آن به دلیل پیامدهای مشکل ساز اجرای برنامه های جامع و عقلایی، جوامع با آن دست به گریبان شده بودند؛ و دومین عامل جریان فکری متعلق به مکتب فرانکفورت بود که با انتقاد از عقلانیت ابزاری و طرح ایرادهایی بنیان های فکری و نظریه های برنامه ریزی خردگرا را مورد هدف قرار داد. حوزه عمومی همان فضایی است که کنش ارتباطی در آن تحقق می یابد (معروفی ۲۱، ۲۰۰۱، ۳۸).

۳-۳-۲. تئوری برنامه ریزی مجادله ای

پاراادیم نوظهور مجادله ای (اگونسیسم) در برنامه ریزی بیشتر از بنیان های فکری تئوری دموکراسی شانتال موفه تأثیر پذیرفته است. از دیدگاه موفه (موفه ۲۲، ۲۰۰۵، ۲۲۸) دموکراسی غربی را می توان به واسطه تنش بین دو نوع منطق خاص توصیف نمود: یکی برمبنای حقوق فردی و حکومت قانونی، و دیگری بر اساس تساوی شهروندان در قلمرو عمومی؛ که می توان اولی را در مدل انجمنی دموکراسی و دیگری را در مدل شورایی دموکراسی دسته بندی نمود. مدل دموکراسی مجادله ای موفه در پی حل و فصل تنش بین مدل های انجمنی و شورایی عمل سیاسی است و هر دو این مدل ها را به عنوان تفاسیری مشروع از رفتار دموکراتیک تصدیق می کند. از طرفی هیلیر (۲۰۰۳) مفهوم مجادله را امکان استمرار همیشگی تعارض و کشمکش، و نه به عنوان تقابل و چیرگی، به طوریکه برخی از بازی های قدرت اعمال شده در فرایند تصمیم سازی برنامه ریزی به طور سودمندانه ای تشریح می کند (هیلیر ۲۳، ۲۰۰۳، ۴۷-۴۸).

۳-۳-۳. برنامه ریزی گفتمانی (مذاکره ای)

جین هیلیر به عنوان واضح این نظریه معتقد به نظریه سازی در پیوند با عمل است. وی معتقد است که با این پیش فرض که کارهای برنامه ریزی در حیطه سیاست دموکراتیک قرار دارند؛ مسأله این نیست که چگونه بتوان به اجماع عقلانی رسید؛ بلکه این است که احساس ها و عواطف (انگاره های دموکراتیک) را بتوان به سمت قالب هایی از حرکت داد. هیلیر، برنامه ریزی را در میان سلسله ای از اتحادها و

نیست. در اسلام رأی اکثریت اگر با کرامت انسانی در تضاد باشد؛ از اعتبار برخوردار نیست و مشروعیت ندارد؛ اما مؤلفه های دیگر دموکراسی به مراتب بهتر و زیباتر در اسلام مندرج است. در واقع آنچه اسلام می پذیرد دموکراسی دینی است (علی بابایی ۱۳۹۰، ۲-۳).

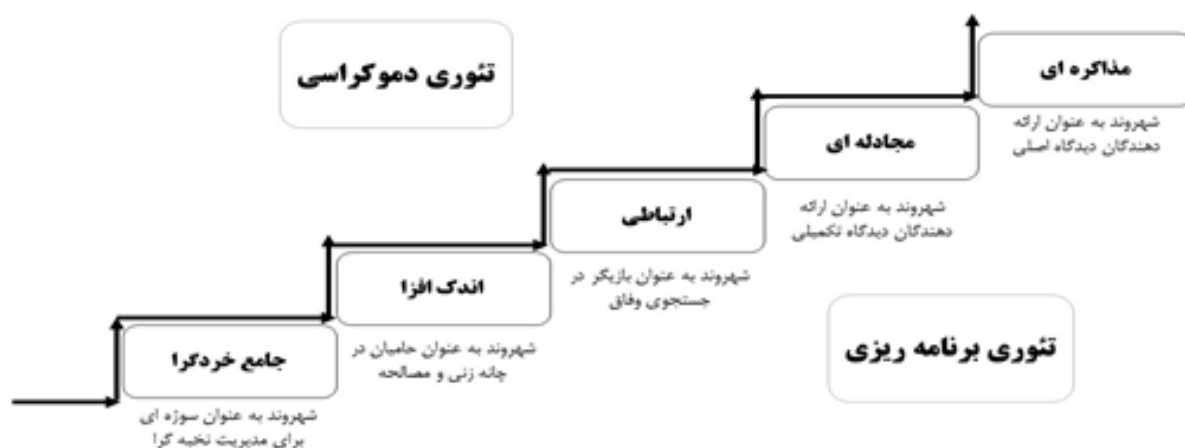
۳-۳. انواع برنامه ریزی شهری بر مبنای دموکراسی و مشارکت

شهر و شهروندان همواره اثرات مشترک متقابلی دارند؛ بنابراین، هر شهروند، خواه به صورت کارآمد و یا ناکارآمد، از طریق جامعه به شهر شخصیت می بخشد. پس همواره نیاز به نوع کارآمد برنامه ریزی و طراحی شهری دموکراتیک، در طیفی از بنیان های حیاتی و اساسی در جامعه شهری، محسوس بوده است (ویتس ۱۴، ۲۰۰۸، ۳۶). تمامی این موارد، به مفهوم کثرت گرایی بازمی گردند که به عنوان نقطه مقابل تمامیت خواهی شناخته می شود (هامدی ۱۵، ۲۰۰۴، ۱۰۷).

۳-۳-۱. تئوری برنامه ریزی ارتباطی

این نظریه بر آن است تا با فاصله گرفتن از رویکردهای خردگرایانه و فردباورانه دهه های پیشین روزنه ای باشد به سوی رویکردهای اجتماع محور؛ که از فرایندهای پایین به بالا با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه ریزی استفاده می شود حرکت کند (عبدی دانشپور ۱۶، ۲۰۰۸، ۴۴۶). یورگن هابرماس با ارائه نظریه ارتباطی تصریح کرد که اساس برنامه ریزی موثر و موفق بر شیوه های ارتباطی مبتنی است (افتخاری ۱۷ و بهزادنسب ۱۸، ۲۰۰۱، ۱۴). پیش نیاز تحقق این ارتباط سازنده کنار گذاشتن عقلانیت ابزاری و استفاده از دامنه وسیع تری از استدلال ها شامل استدلال فنی- ابزاری و استدلال اخلاقی می باشد (کامپل ۱۹، ۱۹۹۶، ۸۵). بدین ترتیب توسط اندیشمندان همچون فارستر ۱۹۹۵، هیلی ۱۹۹۷، سگر ۱۹۹۴، اینس ۱۹۹۵، بوهر ۱۹۹۹ وارد برنامه ریزی شد؛ و تحت عناوینی همچون برنامه ریزی ارتباطی یا برنامه ریزی مباحثه ای مطرح گردید (محمدی ۲۰، ۲۰۰۷، ۷). برنامه ریزی ارتباطی محصول دو جریان عمده عملی و فکری بوده است.

شبکه‌های فعالیت حکمرانی می‌داند. در تعریف وی، شبکه‌ها، زنجیره‌هایی پیوندی هستند که از طریق آنها مردم می‌توانند به منابع مادی و دانش و قدرت دست یابند. وی اعلام می‌کند که به دنبال مدلی است که از منازعات اجتماعی بکاهد؛ اعتبار و احترام هویت‌ها را به رسمیت بشناسد؛ و فرصتی را برای کنشگران برای مشارکت در سیاست‌گذاری‌های زندگی اجتماعی فراهم آورد. او به دنبال فرآیند بحث باز جهت دیده شدن تمام دیدگاه‌ها است. از نظر هیلیر تصمیم‌گیری زمانی مشروعیت دارد که بازتاب فهم متقابل باشد. در این مدل، هیچ گروهی نباید کنار گذاشته شود و در این مدل هم به قدرت توجه می‌شود و هم به مردم. این همان دموکراسی گفتگویی یا هم‌کنشی ارتباط با قدرت است.



نمودار ۱. تحولات پارادایمی تئوری برنامه‌ریزی و تئوری دموکراسی (مأخذ: نگارندگان؛ اقتباس از کریم‌زاده و داودپور ۱۳۹۷)

۱-۳-۳-۳. ریشه‌های نظری برنامه‌ریزی مذاکره‌ای

ریشه‌های فکری جین هیلیر بنا به گفته خودش در کتاب سایه‌های قدرت (shadow of power) از نظریات ارتباطی هابرماس و قدرت میشل فوکو اقتباس شده است؛ و از نظر پارادایمیک نیز این نظریه در پارادایم پسا‌ساختارگرایی اجتماعی تعریف می‌شود. وی با تلفیق نظریه ارتباطی هابرماس و نظریه قدرت فوکو، نظریه برنامه‌ریزی مذاکره‌ای (گفتمانی) را مطرح نمود که هم نگاه از بالا داشته و هم نگاه از پایین. یعنی هم توجه به قدرت دارد و هم توجه به افراد در اجتماع. بنا به نظریه جین هیلیر، در برنامه‌ریزی هم بایستی نظرات اجتماعی مدنظر باشد و هم نگاه انفرادی. او بخش‌های تجاری نظریه خود را از فوکو و بخش تجویزی را از هابرماس اقتباس کرده است.

۲-۳-۳-۳. عناصر اصلی نظریه پایه برنامه‌ریزی مذاکره‌ای

- مشارکت گروه‌های ذی‌نفع: لازم است همه گروه‌های ذی‌نفع به صورت گسترده در فرآیند تصمیم‌سازی مشارکت کنند.
- ارتقای سلامت محلی: شامل حق انتخاب در رابطه با امکانات، خدمات و تسهیلات محلی، توسعه شبکه اجتماعات محلی می‌شود.
- اصل ترکیب و پیوستگی: استقلال نهادهای مشارکت‌کننده در فرآیند تقویت حاکمیت محلی نباید باعث جدایی آنها از فضاهای پیرامون و نظام کلان برنامه‌ریزی جامعه شود.
- تنوع و قابلیت انطباق: اصل تنوع به معنی توجه به سیستم‌های انطباق‌پذیری در الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی است.



همچنین باید نتایج حاصل از برنامه ریزی مشارکتی با شرایط مختلف و گروه های مختلف اقتصادی و اجتماعی قابلیت انطباق داشته باشند.

۴-۳. مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی گونه ای از حکومت دموکراتیک است که در آن حضور مردم و دخالت آنها با رعایت موازین دینی و اسلامی تحقق می یابد. در مردم سالاری دینی، هدف حفظ و ارتقای ارزش های انسانی و اخلاقی جامعه است. این واژه، نخستین بار طی سال های اخیر از سوی مقام معظم رهبری برای توصیف و تبیین نظام جمهوری اسلامی به کار رفت و سپس مورد توجه جدی تر نویسندگان و تحلیلگران قرار گرفت. بنابراین، در تبیین اصطلاح مردم سالاری دینی باید مردمی بودن را از دیدگاه ایشان دریافت (اسحاقی ۱۳۸۴، ۲).

ویژگی های اسلام به کار رفته در دموکراسی اسلامی و مردم سالاری دینی به قرار زیر است:

- انسان از دیدگاه اسلام واجد «کرامت»، حامل «روح الهی» و «عقل» به عنوان «رسول باطنی خداوند»، و در نتیجه نوع انسان شایسته «مقام خلیفه الهی» یا جانشین خداوند بر روی زمین است. لذا انسان قابل اعتماد است.
- کمال دین به معنای کمال در هدایت گری است. اموری که فراتر از درک عقل انسانی است یا غالب انسان ها در دستیابی به آنها خطا می کنند یا وصول به آنها زمان درازی می طلبد؛ از جانب دین در اختیار آدمیان قرار می گیرد.
- سیاست یعنی تدبیر حوزه عمومی، کاری عقلایی است و از تجربه بشری و عقل جمعی آدمیان بهره می برد. سیاست امری ثابت، تعبدی، و تأسیسی نیست.
- سیاست برای همه زمان ها و مکان ها به دست نمی آید. می توان سیاست های متعددی در زمان واحد را سامان داد که خلاف شرع نباشند و اهداف و ضوابط و روش های دینی را نیز رعایت کرده باشند.
- اسلام الگوی خاص و ثابتی برای مدیریت سیاسی و نظام سیاسی ارائه نکرده است.
- احکام ثابت بخشی از احکام جامعه دینی هستند. بخش دیگر این احکام که از آن به احکام متغیر تعبیر می شود؛ توسط عقل جمعی مسلمانان وضع می شود. اکثر احکام مورد نیاز حوزه سیاست از این قبیلند.

۳-۴-۱. ویژگی های مردم سالاری اسلامی

- مردم سالاری اسلامی تنها در جامعه ای امکان پیاده شدن دارد که اکثر مردم آن جامعه به چنین شیوه ای ابراز تمایل کرده باشد.
- براساس مردم سالاری اسلامی تمامی افراد جامعه فارغ از دین، مذهب، جنسیت، رنگ، نژاد و عقیده سیاسی به لحاظ سیاسی و حقوقی برابرند.
- به اذن الهی تنها منبع مشروعیت قدرت حکومت، اراده مردم است.
- هیچ تصمیمی بدون مشارکت مردم معتبر نیست.
- احکام شرعی برای ورود به حوزه عمومی می باید لباس «قانون» به تن کنند؛ قانون با رضایت و رأی عمومی وضع می شود.
- وجدان دینی جامعه، خواست و اراده عمومی را به رعایت ضوابط اخلاقی و پیگیری اهداف دینی مقید و متعهد می کند.
- در مردم سالاری دینی کلیه مصادر امور عمومی به وکالت و نمایندگی از جانب مردم و به انتخاب ایشان انجام وظیفه می کنند.
- در مردم سالاری دینی بین حقوق مردم و تکالیف الهی جمع می شود.
- رأی عمومی یا آرای اکثریت ملاک عمل در حوزه عمومی است، نه ملاک صحت نظری.



- احراز مؤلفه اول یعنی اعتبار دینی بودن یا حداقل عدم تنافی با تعالیم دینی به عهده عالمان دینی منتخب مردم است.
- نظام مردم‌سالاری دینی نظامی مقید به قانون است. در این نظام هیچ مقامی فراتر از قانون اساسی وجود ندارد. و مشروعیت این قانون نیز در نهایت مبتنی بر آرای عمومی است.

۳-۴-۲. ابعاد مردم‌سالاری دینی

بعد تأسیسی: بدین معنا که مردم با انتخاب خود، مسئولین را مشخص می‌نمایند.
بعد تحلیلی: بدین معنا که میان نظام سیاسی تأسیس شده و مردم نوعی ارتباط معنوی برقرار باشد (ولیزاده ۱۳۹۴، ۴).

۳-۴-۳. مردم‌سالاری دینی از نگاه برخی علما، صاحب‌نظران، و فقها

شرح مطلب	صاحب نظریه	ردیف
<p>- رکن مهم در نظریه مردم‌سالاری دینی، دین است (امام خمینی ۱۳۷۱، جلد ۱۳، ۲۱۸). - ضرورت حکومت و پیوند سیاست و دیانت در اسلام پایه عقلانی دارد (اکوانی و شکوه منصورخانی ۱۳۹۵، ۹). - در ارتباط با مشروعیت امام دو رویکرد دارند؛ یکی انتصاب الهی برای فقیه عادل و دیگری انتخاب از سوی مردم است. حاکمیت اصلی از نظر ایشان با «قانون خدا و ارزشهای الهی» است؛ و رأی مردم در طول قانون خدا و ارزشهای الهی است؛ و هیچگونه تقابلی وجود ندارد. مردم مهمترین پایگاه و تکیه‌گاه حکومت تلقی می‌شوند (اکوانی و شکوه منصورخانی ۱۳۹۵، ۱۱). - بحران مشارکت، بحران مشروعیت را هم در پی خواهد داشت (جمشیدی ۱۳۸۰، ۱۰۸). - مهمترین امتیاز نظام مردم‌سالار پذیرش حق مخالفت است (امینی ۱۳۸۸، ۱۹۶). - از نظر امام، مردم از حق انتقاد و مخالفت با حاکم اسلامی برخوردارند (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ۱۹۰). - شورای عام یعنی رجوع به نظر عموم مردم و شورای تخصصی یعنی رجوع به نظر کارشناسان و خبرگان (مقیمی ۱۳۷۸، ۱۶۴).</p>	امام خمینی (ره)	۱
<p>نتیجه: از اینرو، می‌توان عنوان نمود در اندیشه امام خمینی (ره) شاخصهای مردم‌سالاری دینی از جمله مرجعیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی، کرامت انسان، عدالت با معیار فقهی و سیاسی، توجه به اراده عمومی در مشروعیت حکومت، پذیرش حق مخالف، و پذیرش شورا به عنوان سازوکار تصمیم‌سازی و نهادسازی وجود داشته و با آن مطابقت می‌نماید.</p>		
<p>- دموکراسی به معنای دخالت مستقیم مردم در حکومت - دخالت مردم در حکومت به وسیله انتخاب نمایندگان - شرط دموکراتیک بودن حکومت، سکولار بودن آن است (وحیدیمنش ۱۳۸۴، ۴). - بنابراین اگر منظور از دموکراسی این باشد که رأی مردم در سرنوشتشان دخالت دارد؛ آنجا که مخالفتی با حکم خالقشان ندارد؛ این دموکراسی دینی است (همو ۱۳۸۴، ۶).</p>	آیتاله مصباح	۲

جدول ۳. مردم‌سالاری دینی از نگاه برخی علما، صاحب‌نظران و فقها (مأخذ: نگارندگان)



	<p>۲ آیتاله مصباح</p>	<p>- دولت سالم باید اتکایش به مردم باشد (وحیدیمنش ۱۳۸۴، ۹). - بنابراین در نظام اسلامی با اینکه مشروعیت حکومت به خواست مردم نیست؛ اما نظام استبدادی نیز نمی‌باشد. بلکه نوع خاصی از دموکراسی است که در آن، خواست مردم در چارچوب دین منشأ اثر است (وحیدیمنش ۱۳۸۴، ۹). - در اصل خداوند قانون‌گذار است. قانون‌گذاری در صورتی از سوی بشر مشروع است که در طول قانون‌گذاری خداوند باشد نه در عرض آن (وحیدی‌منش، ۱۳۸۴، ۱۰). - دولت باید عدالت‌محور باشد؛ هرگز نباید اجازه دهد که سرمایه‌داران و یا هر گروه دیگری زمام امور جامعه را برعهده بگیرد و دولت آلتی در اختیار آنها باشد (وحیدی‌منش ۱۳۸۴، ۱۲). - هر جامعه باید متناسب با شرایط حاکم بر جامعه‌اش نظام کارآمد را ابداع کند. - مهمترین نماد مردم‌سالاری انتخابات مردمی است. - هر اندازه که حضور مردم قوی تر باشد؛ به همان اندازه نیز دولت مردمی‌تر خواهد بود. اگر حضور مردم رنگ دینی داشته باشد؛ این دو در کنار هم مردم‌سالاری دینی را تحقق می‌بخشد.</p>
<p>نتیجه: دموکراسی تا جایی معتبر است که با حکم خالق منافاتی نداشته باشد. اتکای دولت باید به مردم باشد؛ لیکن مشروعیت دولت به خواست مردم نیست. در مردم‌سالاری دینی اصول اصلی دموکراسی رعایت شده است.</p>		
	<p>۳ آیتاله جوادی آملی</p>	<p>- مردم‌سالاری دینی شیوه زندگی سیاسی مردمی که نظام دینی را پذیرفته‌اند و آن نظام حداقل تضمین‌کننده آزادی، استقلال، رضایتمندی، مشارکت سیاسی و اجرای عدالت اجتماعی سیاسی مردم و در نهایت احساس حاکمیت روح شریعت در زندگی سیاسی مردم است. - در صورتی می‌توان از مردم‌سالاری دینی سخن گفت که دموکراسی را در یک شیوه حکومتی در نظر بگیریم که در آن مشارکت مردم یک اصل زیربنایی شناخته می‌شود (میراحمدی ۱۳۹۰، ۳). - مردم‌سالاری دینی، مردم فقط در ساحت قدس الهی خاضع‌اند؛ اما در دموکراسی غربی و مردم‌سالاری غیردینی، طوق طاعت کسی را به گردن می‌نهند که اکثریت آرا را کسب کند. - مردم‌سالاری دینی، سالاربودن مردم نه به معنای اصالت‌دادن به رأی آنها؛ بلکه به معنای اصالت‌دادن به انسانیت آنها و به دلیل خلیفه‌اللهی بودن آنها. - از نظر ایشان، مردم‌سالاری دینی سلطه اقلیت بر اکثریت و یا بالعکس آن نمی‌باشد. بنابراین از نظر ایشان اولاً مراجعه به رأی مردم الزامی است؛ و ثانیاً این رأی موجب کارآمدی حکومت دینی می‌گردد. رأی اکثریت نمی‌تواند مبنای مشروعیت قرار گیرد و این مهمترین تفاوت اکثریت در نظام اسلامی با دموکراسی است. - امرالله ارتباطی با رأی و حقوق مردم پیدا نمی‌کند و این عرصه چارچوب مقدسی است که با حمایت آرای مردم ایجاد و سبب قدسی شدن آرا و نظرات مردم و نمایندگان آنها در جامعه می‌شود.</p>

جدول ۳. مردم‌سالاری دینی از نگاه برخی علما، صاحب‌نظران و فقها (مأخذ: نگارندگان)



۳	آیت اله جوادی آملی	<p>- امرالناس به اموری از زندگی بشر اطلاق می شود شارع الزام خاصی در مورد آنها ندارد. در این عرصه، حکومت بر اساس آرای مردم، هدایت و اداره می شود (میراحمدی ۱۳۹۰، ۱۶-۱۸).</p> <p>- ایشان برای تبیین دقیق تر جایگاه رأی مردم در حکومت دینی، به تفکیک سه عرصه اصلی فعالیت حکومت یعنی قانون گذاری، اجرای قانون، و نظارت، و تطبیق اجرا با قانون می پردازد. در بخش قانون گذاری اساس تقنین و تأسیس قانون، مختص به خداوند و مربوط به امرالله است. در این بخش، نقش مردم در تشخیص و برنامه ریزی است که توسط نمایندگان انجام می شود. همچنین ایشان حق نظارت مردم را نیز به رسمیت شناخته و آن را عامل ایجاد رضایت در جامعه و عامل جلوگیری کننده از لغزش احتمالی مدیران جامعه می داند.</p>
<p>نتیجه: الگوی نظام سیاسی مبتنی بر این نگرش، الگویی بسیط است که از طریق ترکیب نهادهای دموکراتیک با نهادهای دینی به دست نمی آید.</p>		
۴	مصطفی ملکیان	<p>- نظام مردم سالاری، اگر شرط لازم بهروزی و سعادت مردم جامعه باشد؛ مسلماً شرط کافی نیست.</p> <p>- در جامعه مردم سالار دینی، اکثریت و اقلیت اهمیت می یابد؛ و رأی اکثریت مبنای قرار می گیرد. در صورتی که مردم بخواهند که مبنای تصمیم گیری درباره ساحت عمومی زندگی شان، باورهای مذهبی باشد؛ این حکومت، حکومت مردم سالار دینی است؛ و نباید فراموش کرد که تنها تا زمانی مشروعیت دارد که مردم در رأی خود ثابت قدم باشند</p> <p>- در غیاب معصوم و نبود پیامبران، نظام مردم سالار بهترین نظامی است که معرفت بشری به آن دست پیدا کرده است.</p> <p>- ایمان به خدا و روز جزا اولین شرط توفیق مردم سالاری است.</p> <p>- وجدان ایمانی، دومین عاملی است که رافع نقص های مردم سالاری است (ر.ک ملکیان ۱۳۸۲، ۲-۱۷)</p>
<p>نتیجه: در مردم سالاری دینی هم باورهای دینی مهم هستند و هم رأی اکثریت مردم.</p>		
۵	عبدالکریم سروش	<p>- آنچه که به عنوان حکومت دموکراتیک مطرح می شود؛ در اسلام و به خصوص شیعه جایی ندارد.</p> <p>- حکومت ها دو نوع بیشتر نمی توانند باشند: یا حکومتی هستند که مال مردم هستند و مصالح کنونی مردم را تأمین می کنند؛ یا حکومت هایی که در نهایت برای تحقق یک موعودی در آخر الزمان عمل می کنند و رسالت اصلی شان را آن می دانند.</p> <p>- دموکراسی می بایستی با توجه به عقل انسانی و آرای ایشان باشد و نیازی به حضور دین و تعالیم آن در صورت وجود عقل نمی باشد.</p> <p>- صرف وجود دموکراسی عقلانی کفایت می نماید و مردم سالاری دینی نیازی به بیان ندارد (ر.ک سروش ۱۳۸۴، ۱-۷).</p>

جدول ۳. مردم سالاری دینی از نگاه برخی علما، صاحب نظران و فقها (مأخذ: نگارندگان)





<p>نتیجه: نیک واضح است که نظر ایشان درباره خاتمیت و موضوع امامت نظری اشتباه است؛ زیرا تفسیر بسیاری از مطالبی که پیامبر گرامی اسلام در زمان حیات خود بیان نموده‌اند؛ نیاز به وضعانی دارد که از جانب خداوند مأمور گشته‌اند. پس ایشان همان کلام پیامبر را بیان می‌کنند؛ نه آنکه بیانی جدید و بدعتی تازه گذارند.</p>	<p>۶ محسن کدیور</p> <ul style="list-style-type: none"> - مردم‌سالاری اسلامی نیز یکی از انواع دموکراسی است. - شناخت مردم‌سالاری اسلامی در گرو این دو دسته ضابطه‌هاست: مبانی و ضوابط عام دموکراسی و مختصات دموکراسی اسلامی. - مردم‌سالاری اسلامی (یا دموکراسی اسلامی) شیوه زندگی سیاسی مسلمانان در جهان مدرن است. - مراد از مردم‌سالاری اسلامی این نیست که این شیوه از کتاب و سنت استنباط شده است؛ بلکه مراد از آن این است که اولاً این شیوه عقلایی منافاتی با تلقی یاد شده از اسلام ندارد. ثانیاً مسلمانان زندگی سیاسی خود را با این شیوه سامان می‌بخشند. ثالثاً اندیشه اسلامی مبانی فلسفی مردم‌سالار اسلامی را تأمین می‌کند. - فرقی بین عالم و جاهل و فقیه و عامی نیست و هر دو حق دارند حکومت را به دست گیرند. - بر اساس مردم‌سالاری اسلامی، تمامی افراد جامعه، فارغ از دین، مذهب، جنسیت، رنگ، نژاد، و به لحاظ سیاسی و حقوقی برابری دارند و این برابری مدنی هیچ امتیازی را برای مسلمانان یا شیعیان و یا فقیهان بر نمی‌تابد؛ و همه آنها به لحاظ حق حکومت کردن مساوی‌اند. - اندیشه اسلامی، مبانی فلسفی مردم‌سالاری را تأمین می‌کند. - دموکراسی بیش از آن که مبتنی بر یک فلسفه صد در صد قابل دفاع باشد؛ از یک تجربه بشری تغذیه می‌کند. - مبانی و ضوابط مردم‌سالاری (اصل برابری انسان‌ها، اصل حاکمیت مردم، اصل مشارکت و رضایت عمومی، اصل قانونگرایی، حقوق بشر) کدیور (۱۳۸۰، ۶-۸).
<p>نتیجه: جمع بین دموکراسی و اسلام را در این می‌بیند که اولاً دموکراسی را با تمام مبانی آن بپذیریم؛ و ثانیاً اسلام را آن گونه که با این مبانی سازگار است بپذیریم. رویکردی که ایشان پذیرفته‌اند کاملاً با دموکراسی سازگار است؛ و نیازی به تعدیل در نظریه دموکراسی نیست. ایشان ادعا می‌کند که قرائت راستین و مطلوب ایشان تنها با دموکراسی سازگار است نه با یکه‌سالاری؛ اما تبیین نمی‌کند که چگونه در حکومت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم دقیقاً این دموکراسی اجرا می‌شده است. آیا در آن جا هم حاکمیت پیامبر از طریق رأی مردم و مادام‌الرأی، نه مادام‌الشرایط، بوده است؟ مسلماً هرگونه استثنا بر این قاعده پذیرفته‌شده ایشان، با این ادعای کلی که دموکراسی حتماً با تمام مبانی آن باید پذیرفته شود سازگار نمی‌باشد. صرف حضور و مشارکت، مادام که بر مبنای نظریه حاکمیت مردم توجیه نشده باشد؛ به معنای دموکراسی نخواهد بود. بنابراین، این ادعا که رویکرد صحیح همانا تناسب با دموکراسی است، موارد نقضی آشکار خواهد داشت.</p>	

جدول ۳. مردم‌سالاری دینی از نگاه برخی علما، صاحب‌نظران و فقها (مأخذ: نگارندگان)



۴. یافته‌های پژوهش

مطابق مباحث مطرح شده مشاهده می‌شود که موضوع برنامه‌ریزی مذاکره‌ای، توجه به نظر و آرا مردم بدون دخیل شدن عوامل دیگر می‌باشد. یعنی در این نوع مشارکت، هدف اثرگذاری آرا و نظرات مردم و شهروندان و انواع مطالعات بدون کم و کاست و یا بدون چارچوب از پیش تعیین شده می‌باشد. از نگاه اسلام نیز توجه به آرا و نظر مردم مورد تأیید می‌باشد؛ لیکن این اثرگذاری بایستی در چارچوب مفاهیم و تعالیم دینی و اسلامی باشد؛ و مغایرت با آنها پذیرفته نیست. در کشورهای غربی، مذاکره و دخالت مردم بدون توجه به مباحث دینی صورت می‌پذیرد؛ و نظر مردم بدون هیچگونه تغییری اعمال می‌گردد. بنا به مطالب ارائه شده در این نوع برنامه‌ریزی توجه به هوی و هوس افراد و آنچه ایشان می‌گویند و می‌خواهند در اولویت و اصل است. پدیده نیمبی (Nimby) - که امروزه به یکی از مشکلات برنامه‌ریزی مشارکتی تبدیل شده - نمونه‌ای از تأثیر خواسته‌های اکثریت مردم یک محله بدون توجه به خیر عام شهر است. لیکن در مردم‌سالاری دینی، نظر مردم و آرای آنها میبایستی در حدود شریعت دینی و در مقیاس آموزه‌های اسلامی باشد و تخطی از آنها منجر به ابطال آرا می‌شود. این موضوع به دلیل آن است که آرای مردم ممکن است همواره با در نظرگیری مصالح دینی و اسلامی نباشد؛ از اینرو می‌بایستی یک فیلتر و صافی برای آن در نظر گرفته شود. بنابراین در دموکراسی اسلامی و یا به بیان بهتر در مردم‌سالاری دینی، زمانی نظر مردم منشأ اثر است که در راستای نظر خداوند و تعالیم دین مبین اسلام باشد. هر تقریر و تصویری که از حاکمیت اسلام ارائه شود؛ معیار بودن اصول اسلام و مبانی غیرقابل تخلف دین در آن امری بدیهی و ضروری است و لذا مشارکت جمعی به هر صورت در حیطه آن محدود می‌شود؛ اما دموکراسی لیبرال در جستجوی برآوردن هوی و هوس‌های یکایک افراد است. در ادامه چنین روندی است که پیشنهاد می‌کند؛ برای جلوگیری از رشد بشر، آغوش جنس موافق و مخالف به روی یکدیگر باز شود و تنها مکانیسم گسترده ضدبارداری پیش‌بینی گردد و در ادامه چنین روندی است که تدریجاً

لیبرال به آزادی کودکان و نوجوانان از هر قید و بند اخلاقی و جنسی رای داده‌اند. به گمان برخی از متفکران مسلمان، دموکراسی غرب مطلوبترین و بلکه پیشرفته‌ترین صورت حاکمیت‌سیاسی است که می‌توان با طرد جنبه‌های منفی و تلفیق جنبه‌های مثبت آن، با حاکمیت دینی، به دموکراسی اسلامی دست یافت. تلاش این متفکران مسلمان برای ارائه نوعی نظریه سازگاری بین دموکراسی غرب و حاکمیت اسلامی، تنها بدین منظور صورت می‌گیرد که آنان بیش از پیش تمایل دارند دل مشغولی و علاقه خود به هر دو را حفظ کنند؛ اما تاروپود دموکراسی مزبور آنچنان با لیبرالیسم و اصالت فرد درهم تنیده که امکان جداسازی برخی از اجزا آن که به زعم این دسته از متفکران مسلمان اجزا مثبت به شمار می‌آید، وجود ندارد.

بنابراین می‌توان گفت در دموکراسی غربی به صورت عام، و نظریه مذاکره‌ای به صورت خاص، نظر مردم بدون هیچ پیش زمینه‌ای اصل بوده و مشروعیت بر اساس نظر مردم است؛ لیکن در مردم‌سالاری دینی، مشروعیت در قبول اصول دینی بوده و نظر مردم و آرای آنها زمانی ارزشمند است که در چارچوب نظر دین و فقه اسلامی باشد.

مردم‌سالاری دینی و نقش آن در شهرسازی مشارکتی

در اصول مربوط به شهرسازی مشارکتی آنچه مشاهده می‌شود نظرخواهی از مردم و مشارکت مستقیم آنها در پروژه‌های شهری می‌باشد. لیکن این دخالت کلاسه‌بندی شده و در اموری است که از قبل مشخص می‌شود. مطابق معیارهای موجود در برنامه‌ریزی مذاکره‌ای هم نگاه از بالا در برنامه‌ریزی وجود دارد و هم نگاه از پایین؛ یعنی هم مردم برای پروژه‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند؛ و هم مدیران نحوه مشارکت و مداخله و موضوع مداخله را مشخص می‌کنند. از نظر هیلیر به‌عنوان واضع این نظریه، همواره نیازی به اجماع در یک موضوع خاص وجود ندارد؛ بلکه مصالحه هم می‌تواند کارگشا باشد. وی اعلام می‌کند که به دنبال مدلی است که از منازعات اجتماعی بکاهد؛ اعتبار و احترام هویت‌ها را به رسمیت بشناسد؛ و فرصتی را برای

مردم سالاری دینی مطابقت دارد. لیکن از آنجایی که در مردم سالاری دینی حرف اول را تعالیم دینی می‌زنند و در این تعالیم افرادی که دارای شریعت می‌باشند مورد احترام هستند؛ نمی‌توان از هر گروهی حمایت کرد. چه بسا افراد و گروه‌هایی که از نگاه دین اسلام شایستگی انسانیت را ندارند (همچون خداانکارکنندگان، بهایان، و...) و نظر از آنها می‌تواند مخالف مبانی و اصول دینی باشد. از اینرو، این موضوع شهرسازی مشارکتی با موضوع مردم سالاری دینی قرابتی ندارد؛ و می‌توان مغایرت این نوع برنامه‌ریزی با مردم سالاری دینی را در همین موضوع بیان نمود. بنابراین می‌توان اعلام نمود که مردم سالاری دینی در نگاه به شهر و شهروندان نگاهی همه‌خواهانه به شهروندان و ساکنان دارد؛ لیکن تا زمانی که گروه‌های خاص که در چارچوب اصولی دین مبین اسلام مورد تأیید نمی‌باشند؛ در آن جامعه حضور نداشته باشند.

کنش‌گران برای مشارکت در سیاست‌گذاری‌های زندگی اجتماعی فراهم آورد. او به دنبال فرآیند بحث باز جهت دیده شدن تمام دیدگاه‌ها است. از نظر هیلیبر تصمیم‌گیری زمانی مشروعیت دارد که بازتاب فهم متقابل باشد. هیلیبر اعلام می‌کند که در این برنامه می‌بایستی تمام گروه‌های اجتماعی دخیل بوده و هیچ فرد یا گروهی کنار گذاشته نشود. انتقال قدرت نیز بایستی مبتنی بر توافق‌هایی باشد که متکی بر مذاکره اجتماعی باشد. از نظر هیلیبر اگر مشارکت کم‌مایه باشد؛ آنگاه سلطه اتفاق افتاده است. اگر بخواهیم از دریچه مردم سالاری دینی به این موضوع نگاه کنیم؛ بسیاری از موارد آن همچون دخالت شهروندان در امور شهری و نظرسنجی از آنها، مصالحه بر روی مواردی که به صلاح جامعه است - حتی اگر اجماع نظر بر روی آن نباشد - اثرگذاری هم نظر مردم و هم خواسته مدیران بر موضوعات مطرح شده، احترام به تمامی حضور اقشار مختلف با اصول

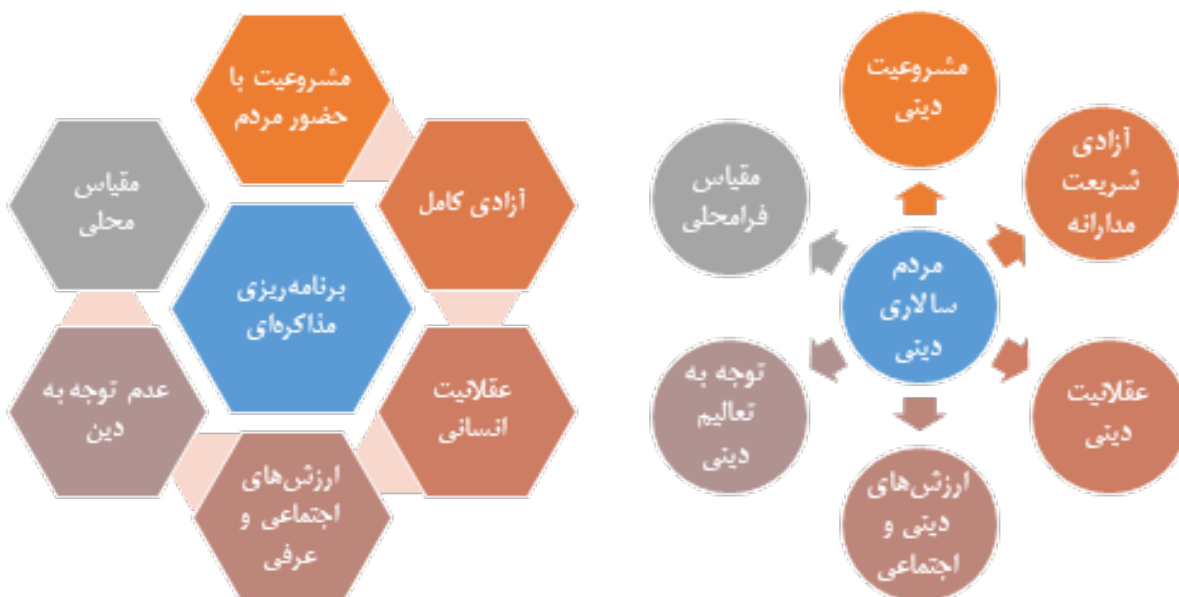
ردیف	عنوان	رویکرد برنامه‌ریزی مذاکره‌ای	رویکرد مردم سالاری دینی
۱	عقلانیت	عقل انسانی (نفی عقلانیت ابزار)	(نفی عقلانیت بشری صرف) عقل دینی
۲	مشروعیت	مشروعیت انسانی (اکثریت مشروعیت است)	(اکثریت مشروعیت نیست) مشروعیت دینی
۳	آزادی	کامل (غیردینی)	(شریعت مدارانه) آزادی تحت تعالیم دینی
۴	قانون گذاری	بر مبنای نظر مردم (قوانین بشری)	(قانون را خدا مشخص می‌کند) بر مبنای تعالیم و اصول دینی
۵	حقوق	توجه به حقوق فرد و جامعه	توجه به حقوق فرد و جامعه
۶	حضور اقشار	(حق مساوی همه) حضور تمامی اقشار و گروه‌ها	(حق مساوی همه) حضور تمامی اقشار و گروه‌ها
۷	احترام	احترام به تمامی اقشار و گروه‌ها	(تمامی اقلیت‌های دینی) احترام به تمامی اقشار و گروه‌ها
۸	مقیاس اقدام	محلی	محلی و فرامحلی
۹	نوع برنامه‌ریزی	از پایین به بالا و بالا به پایین	از پایین به بالا و بالا به پایین
۱۰	عدالت	توجه به عدالت اجتماعی و فردی	توجه به عدالت دینی

جدول ۵. مقایسه اصول برنامه‌ریزی مذاکره‌ای و مردم سالاری دینی (مأخذ: نگارندگان)



ردیف	عنوان	رویکرد برنامه‌ریزی مذاکراتی	رویکرد مردم‌سالاری دینی
۱۱	اخلاق	توجه به اخلاق قانونی و انسانی	توجه به اخلاق دینی
۱۲	ارزشها	توجه به ارزش‌های اجتماعی و عرفی	توجه به ارزش‌های دینی و اجتماعی
۱۳	قدرت	قدرت در خدمت مردم	قدرت در خدمت دین و مردم
۱۴	آموزش	آموزش عمومی	آموزش دینی

جدول ۵. مقایسه اصول برنامه‌ریزی مذاکراتی و مردم‌سالاری دینی (مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۲. مقایسه اصول کلی برنامه‌ریزی مذاکراتی و مردم‌سالاری دینی (مأخذ: نگارندگان)

۵. نتیجه‌گیری

منافاتی نداشته باشد. از آنجایی که در دموکراسی غربی، بخش دین و اصول اعتقادی تقریباً جایگاهی ندارد؛ از اینرو نیازمند یک فیلتر و صافی جهت نظارت بر توافقات می‌باشد. مردم‌سالاری دینی که نگاهی دینی-انسانی-اخلاقی به مناسبات مختلف سیاسی و اجتماعی دارد؛ می‌تواند به‌عنوان این فیلتر عمل نماید. مادامی که قوانین و مناسبات و تصمیم‌گیری‌ها در طول اصول دینی و اعتقادی باشد؛ همگان بر آن صحنه می‌نهند. اما زمانی که این توجهات جای خود را به رویکردهای اومانستی بدهد؛ از آنجا مشکلات و موانع شروع شده و نمی‌توان

نظریه مذاکراتی به‌عنوان جزئی از دموکراسی غربی و مردم‌سالاری اجتماعی، زاده و رشد یافته است. در این نگرش، اصل و مبنا حضور مردم و سوال از آنها و انجام اقدامات بر مبنای خواست و نیاز آنها است. این نگرش در کلیت خود به نظر می‌رسد شیوه مناسب و کارایی در بخش‌های مختلف مدیریت شهری باشد؛ و می‌تواند رسیدن به طرح‌های مردم محور در شهر را ممکن سازد. لیکن این موضوع تا بدانجا می‌تواند مفید باشد که با ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی و هنجارهای انسان‌مدارانه

۸. Elstub . فرجامی نیکو برای برنامه‌ها و طرح‌ها در نظر گرفت. به طور مثال، چنانچه اکثر مردم موافق عدم استفاده از ماسک باشند؛ لیکن علم و عقل بیان کند که این عامل از بیماری جلوگیری می‌کند آیا باید به آرای مردم رجوع کرد یا به موضوع عقلانی و درست؟
۹. Mansbrdge . از اینرو، به نظر میرسد چنانچه این رویکردهای نوین مطالعاتی با اصول درست اسلامی- عقیدتی همراه گردد و مردم در تمامی زمینه‌های مشارکتی توجیه شوند و همچنین از مفسران متخصص که تحمل و صبر لازم برای شنیدن دیدگاههای متنوع و مختلف مردم و مهارت کافی برای رایزنی با حکمرانان را دارند در زمینه‌های مورد نظر استفاده شود؛ می‌توان از این رویکردها با حفظ اصول ارزشی و اخلاقی استفاده نمود و به نتایج و کارآمدی آنها خوشبین بود. لیکن چنانچه صرفاً به نظر مردم آنهاهم بدون وجود نظامات ارزشیابی دینی و اسلامی توجه نمود (مردم‌فریبی یا مردم‌گرایی) و و یا بالعکس دیدگاههای صرفاً حاکمیتی- سیاسی در لفافه ای از واژه‌های دینی- مذهبی اما با همان رویکردهای آمرانه مدرنیستی که در بافتهای تاریخی اطراف اماکن مقدس در برخی شهرهای کشور قابل مشاهده است؛ به‌عنوان برنامه‌ریزی متعالی یا دینی را معرفی کرد (تئوکراسی)، می‌توان گفت که مردم‌سالاری دینی محقق نشده و نتیجه مطلوبی حاصل نخواهد شد و تا زمانی که این نظرخواهی و مشارکت از کارشناسان و مردم، زیر پای نگرش‌ها و ملاحظات سیاسی و حزبی له می‌شود؛ عملاً مشارکت مردمی رخ نداده است.
۱۰. Gutman .
۱۱. Thompson .
۱۲. Backlund .
۱۳. Mantysalo .
۱۴. Wates .
۱۵. Hamdi .
۱۶. Abdi Daneshpour .
۱۷. Eftekhari .
۱۸. Behzadnasab .
۱۹. Campbell .
۲۰. Mohamadi .
۲۱. Maroofi .
۲۲. Mouffe .
۲۳. Hillier .

پی‌نوشت

۱. Purcell .
۲. Libii .
۳. Canfiled .
۴. LeDuc .
۵. Hanberger .
۶. King .
۷. Falleth .



منابع

۱. اکوانی حمدالله، و زینب شکوه منصورخانی. ۱۳۹۵. مردم سالاری دینی در گفتمان اسلام سیاسی؛ بررسی اندیشه امام خمینی(ره) و ابوالاعلی مودودی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی (۱۹): ۱-۱۹.
۲. براتی، ناصر، فردین حیدری، و مانی ستارزاد فتحی. ۱۳۹۸. به سوی فرایندی دموکراتیک در برنامه ریزی و طراحی شهری. باغ نظر ۱۶ (۷۶): ۵-۲۰.
۳. بشیریه، حسین. ۱۳۹۲. درس های دموکراسی برای همه. تهران: نگاه معاصر.
۴. بصیری محمدعلی، و خدیجه ثنائیان زاده. ۱۳۹۱. مقایسه اندیشه سیاسی میرزا نائینی و شیخ فضل الله نوری. دانش سیاسی و بین الملل (۴): ۱-۱۶.
۵. بوستانی مهدی، و کمال پولادی. ۱۳۹۷. بررسی عناصر تشکیل دهنده حوزه عمومی در اندیشه هابرماس. علوم سیاسی ۱۳ (۳۸): ۲۱-۴۲.
۶. پولادی، کمال، و علیرضا پناهی. ۱۳۹۷. مقایسه تطبیقی دموکراسی لیبرال و دموکراسی گفتگویی. نگرش های نو در جغرافیای انسانی ۱۰ (۳): ۱۶۱-۱۷۹.
۷. رفیعیان مجتبی، و سکینه معروفی. ۱۳۹۰. نقش و رویکرد برنامه ریزی ارتباطی در نظریه های نوین شهرسازی. آرمانشهر ۴ (۷): ۱۱۳-۱۲۰.
۸. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، و جانعلی بهزادنسب. ۱۳۸۳. برنامه ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه ریزی (با تاکید بر برنامه ریزی توسعه روستایی). مدرس علوم انسانی ۸ (۱): ۱-۲۲.
۹. سروش، عبدالکریم. ۱۳۸۴. تشیع و چالش مردم سالاری. بازتاب اندیشه (۶۳): ۵۰-۵۸.
۱۰. صابر، عزیز. ۱۳۸۸. اسلام و دموکراسی. سایت سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. قاضوی، سیدحسین. ۱۳۹۲. شورا در اسلام و جایگاه مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران. پژوهش های انقلاب اسلامی ۲ (۵): ۷۷-۹۸.
۱۲. کرمی، غلامحسین، و کورش رضایی مقدم. ۱۳۹۴. ارزیابی تأثیر اجتماعی: رویکردی نوین در مدیریت پایدار برنامه های توسعه. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی ۴ (۲): ۱۶۹-۱۹۴.
۱۳. کریم زاده، داود، و زهره داودپور. ۱۳۹۷. رویکردهای دموکراتیک در برنامه ریزی شهری و ظهور نظریه مجادله ای. مطالعات ساختار و کارکرد شهری ۵ (۱۶): ۱۱۱-۱۲۸.
۱۴. کدیور، محسن. ۱۳۸۰. مردم سالاری دینی. بازتاب اندیشه (۱۸): ۵۵-۶۲.
۱۵. _____ . ۱۳۸۰. نقد، مردم سالاری دینی. طبرستان سبز (۱۵).
۱۶. کواکبیان، مصطفی. ۱۳۸۰. دموکراسی متدینان یا مردم سالاری دینی. بازتاب اندیشه (۲۲): ۳۵-۳۸.
۱۷. ملکیان مصطفی. ۱۳۸۲. مردم سالاری و معنویت. بازتاب اندیشه (۴۱): ۱۹-۲۵.
۱۸. میراحمدی منصور. ۱۳۹۰. مردم سالاری دینی در اندیشه آیت الله جوادی آملی. اسراء ۳ (۳): ۵۳-۷۶.
۱۹. میرزاحمد، علیرضا. ۱۳۸۹. اصول و مبانی شورا از منظر امام علی(ع). پژوهشنامه علوی ۱ (۲): ۱۲۱-۱۵۰.
۲۰. نبوی، سید عباس. ۱۳۷۳. دموکراسی و حاکمیت اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله عظمی خامنه ای.
۲۱. وحیدی منش، حمزه علی. ۱۳۸۴. مردم سالاری دینی از نگاه آیت الله مصباح یزدی. معرفت (۹۰): ۲۲-۳۵.
۲۲. ولی زاده، ابوالقاسم. ۱۳۹۴. مقایسه مبانی و شاخص های مردم سالاری دینی با لیبرال دموکراسی. در کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه، شیراز.
۲۳. هرسیج، حسین، و جلال حاجی زاده. ۱۳۸۹. تبیین دموکراسی رایزنانه در اندیشه های فلسفی هابرماس. حکمت و فلسفه ۶ (۳): ۷۵-۹۳.

References

1. Akvani Hamdollah, and Zeynab Shokouh Mansourkhani. 2016. *Religious Democracy in the Discourse of Political Islam; A Study of the Thought of Imam Khomeini and Abu al-Ali Mawdudi*. *Scientific-Research Quarterly of the Journal of the Islamic Revolution* (19): 1-19.
2. Barati, Naser; Fardin Heidari, and Mani Sattar zad Fathi. 2019. *Towards a Democratic Process in Urban Planning and Design*. *Bagh-e Nazar* 16 (76): 5-20.
3. Bashirieh, Hossein. 2013. *Lessons of Democracy for All*. Tehran: Contemporary View Publishing.
4. Basiri Mohammad Ali, and Khadijeh Sanayanzadeh, 2012. *A Comparison of the Political Thought of Mirza Naeini and Sheikh Fazlullah Nouri*. *Political Science and International* 1 (4): 1-16.
5. Bustani, Mehdi, and Kamal Pouladi. 2018. *A Study of the Elements of the Public Sphere in Habermas Thought*. *Political Science* 13 (38): 21-42.
6. Canfield, Robert. 2015. *Referendums and deliberative democracy* Lawrence. *LeDuc University of Toronto, Canada Electoral Studies* (38): 139-148.
7. Elstub, S. 2010. *The Third Generation of Deliberative Democracy*. *The Journal of Political Studies Review* 8(3): 291-307. Article first published online: June 8, 2010; Issue published: September 1, 2010.
8. Falleth, E. 2010. *Challenges to Democracy in Market-Oriented Urban Planning in Norway*. *European Planning Studies* 18(5): 737-753.
9. Ghazavi, Seyed Hassan. 2013. *Council in Islam and the Position of the People in the System of the Islamic Republic of Iran*. *Islamic Revolution Research* 2 (5): 77-98.
10. Gutman, A., and D. Thompson. 1996. *Democracy and Disagreement*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
11. Gutman, A., and D. Thompson. 2004. *Why Deliberative Democracy?* Princeton, NJ: Princeton University Press.
12. Habermas, J. 2001. *The Postnational Constellation: Political Essays*. M. Pensky, Trans. Cambridge, MA: MIT Press.
13. Hamdi, N. 2004. *Small Change; About the Art of Practice and the Limits of Planning in Cities*. London: Earthscan.
14. _____. 2010. *The Placemaker's Guide to Building Community*. London: Earthscan.
15. Hanberger, A. 2006. *Evaluation of and for Democracy*. *Evaluation* 12 (1): 17- 37.
16. Hersij, Hossein, and Jalal Hajizadeh. 2010. *Explaining Consultative Democracy in Habermas Philosophical Thoughts*. *Wisdom and Philosophy* 6 (3): 75-93.
17. Kadivar, Mohsen. 2001. *Critique of Religious Democracy*. *Tabarestan-e Sabz* (15).





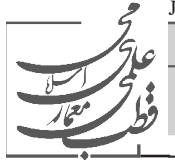
18. _____ . 2001. *Religious Democracy*. *Bazetab Andisheh Monthly* (18): 55-62.
19. Karami, Gholamhossein, and Kourosh Rezaei Moghaddam. 2015. *Social Impact Assessment: A New Approach in Sustainable Management of Development Plans*. *Socio-Cultural Development Studies* 4 (2): 169-194.
20. Karimzadeh, Davood, and Zohreh Davoodpour. 2018. *Democratic Approaches in Urban Planning and the Emergence of Controversial Theory*. *Urban Structure and Function Studies* 5 (16): 111-128.
21. Kawakbian, Mostafa. 2001. *Religious Democracy or Religious Democracy*. *Bazetab Andisheh* (22): 35-38.
22. King, L.A. 2003. *Deliberation, Legitimacy, and Multilateral Democracy*. *Governance* (16)1: 23-50
23. LeDuc, Lawrence. 2015. *Referendums and Deliberative Democracy* Lawrence. *LeDuc University of Toronto, Canada Electoral Studies* (38): 139-148.
24. Libii, Mohammad Javad. 1999. *Liberal Democracy is an Unfinished Dream*. Tehran: Afkar.
25. Malekian, Mostafa. 2003. *Democracy and Spirituality*. *Bazetab Andisheh* (41): 19-25.
26. Mansbridge, J., J. Bohman, S. Chambers, T. Christiano, A. Fung, J. Parkinson, D. Thompson, and M. E. Warren. 2012. *A Systemic Approach to Deliberative Democracy*. In *Deliberative Systems— Deliberative Democracy at the Large Scale*. Edited by J. Parkinson, J. and J. Mansbridge, 1-26. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Mirahmadi, Mansour. 2011. *Religious Democracy in the Thought of Ayatollah Javadi Amoli*. *Esra* 3 (3): 53-76.
28. Mirza Mohammad, Alireza. 2010. *Principles and Foundations of the Council from the Perspective of Imam Ali (AS)*. *Alavi Research Journal* 1 (2): 121-150.
29. Mouffe, Chantal. 2000. *Deliberative Democracy or Agonistic Pluralism*. *Institute Fur Hoherstudien (Ihs)*. Wien Institute for Advanced Studies, Vienna.
30. _____ . 2005. *The Limits of John Rawls's Pluralism*. *Politics, Philosophy and Economics Journal* 4 (2): 221-23.
31. _____ . 2007. *Artistic Activism and Agonistic Space*. *Art and Research, a Journal of Ideas, Context and Methods* 1 (2).
32. Nabavi, Seyyed Abbas. 1994. *Democracy and Islamic Sovereignty*. Office for the Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei.
33. Pouladi, Kamal, and Alireza Panahi. 2018. *Comparative Comparison of Liberal Democracy and Discourse Democracy*. *New Attitudes in Human Geography* 10 (3): 161-179.
34. Purcell, M. 2002. *Excavating Lefebvre: The Right to the City and Its Urban Politics of the Inhabitant*. *GeoJournal* 58(2-3): 99- 108.





35. _____. 2003. *Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order*. *International Journal of Urban and Regional Research* 27(3): 564-590.
36. _____. 2007. *City-Regions, Neoliberal Globalization and Democracy: A Research Agenda*. *International Journal of Urban and Regional Research* 31(1): 197-206.
37. _____. 2009. *Resisting Neoliberalization: Communicative Planning or Counter-Hegemonic Movements?* *Planning Theory Journal* 8(2): 140-165.
38. _____. 2013. *Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City*. *Journal of Urban Affairs* 36(1): 141-154.
39. _____. 2016. *For Democracy: Planning and Publics Without the State*. *Planning Theory* 15(4): 386-401.
40. Rafieian Mojtaba, and Sakineh Marouf. 2011. *The Role and Approach of Communication Planning in New Urban Theories*. *Armanshahr* 4(7): 113-120.
41. Rokn al-Din Eftekhari, Abdolreza, and Janali Behzad Nasab. 2004. *Teacher of Humanities* 8 (1): 1-22.
42. Saber, Aziz. 2009. *Islam and Democracy*. *Islamic Propaganda Organization Website*.
43. Soroush Abdolkarim. 2005. *Shiism and the Challenge of Democracy*. *Bazetab Andisheh* (63): 50-85.
44. Vahidmanesh, Hamzeh Ali. 2005. *Religious Democracy from the Viewpoint of Ayatollah Mesbah Yazdi*. *Knowledge* (90): 22-35.
45. Valizadeh, Abolghasem. 2015. *Comparison of the Principles and Indices of Religious Democracy with Liberal Democracy*. In *National Conference on the Future of Humanities and Development Research, Shiraz*.
46. Wates, N. 2000. *The Community Planning Handbook; How People Can Shape Their Cities, Towns and Villages in Any Part of the World*. London: Earthscan.
47. _____. 2008. *The Community Planning Event Manual; How to Use Collaborative Planning and Urban Design Events to Improve Your Environment*. London: Earthscan.



**A Study of the Intellectual Roots of Negotiation
Planning and Its Analysis from the Perspective of Western
Democracy and Religious Democracy****Hossein Khani**

(Researcher PhD in Islamic Urban Planning, University of Islamic Art, Tabriz, Iran)

*Corresponding Author : hsnkhani.eng@gmail.com***Morteza Mirgholami**

(Associate Professor, Department of Islamic Urban Planning, Islamic Art University, Tabriz, Iran)

Received: 03/01/2022

Accepted: 06/04/2022

Abstract

Planning is one of the basic tools to achieve optimal living conditions. In the meantime, negotiation is one of the most important approaches in the new planning systems, which has a special place in the current era of urban planning and governance. Jane Hillier, as the author of this theory, has used the theories of thinkers such as Habermas and Foucault to explain the principles of this theory. This research seeks to study the theoretical roots of the negotiation planning approach and extract its intellectual processes to study its structure and finally the characteristics and principles of this type of planning from the perspective of teaching. To study Islamic theories and theories of contemporary Islamic thinkers on the subject of government and religious democracy and democracy. According to the overlapping topics in this case study, from the method of document analysis and content analysis and logical reasoning, as well as qualitative and descriptive methods and conducting interviews with experts (interviews with 14 academic experts in the fields of urban planning and sociology, as well as Field professors) has been used to express the research results. Finally, by comparatively comparing the principles and rules of this type of planning with the criteria of Islamic urban planning and the principles and rules of democracy and the council from an Islamic perspective, the strengths and weaknesses of this type of planning are examined and stated in the planning approach. Negotiation relies solely on the views and opinions of the people and has nothing to do with religious norms. Therefore, it seems that this approach can be effective only in those parts of urban management that have people-centered plans. On the other hand, the approach of religious democracy is more focused on religious values and the opinion of the people is of secondary importance. On the one hand, this issue makes sure that the plans and programs are based on religion and Sharia, but on the other hand, it has nothing to do with humanist and humanistic plans. Therefore, it can be said that if in urban studies, it is based only on the opinions of the people, its competence can not be confirmed from the perspective of religion, but if in the management of urban issues, the opinion of the people along with religious and jurisprudential principles, rules and based Formed, they can help run a city and an Islamic community.

Keywords: Negotiation Planning, Habermas, Hillier, Islamic City, Religious Democracy